

طوری که میدانیم، روابط افغانستان با کشورهای خارجی و موسسات بین‌المللی پس از سرنگونی حکومت آقای اشرف غنی، فروپاشی کامل نظام جمهوری و به قدرت رسیدن طالبان دچار بحران شد که تا اکنون دوام دارد.

در حال حاضر ۱۴ دولت خارجی (چین، روسیه، ایران، ترکیه، ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان، قرغیزستان، پاکستان، امارات متحده عربی، قطر، عربستان سعودی، اندونزی و مالیزیا) حکومت بر سر کار افغانستان را خاموشانه (بدون صدور اعلامیه) از نظر حقوقی (de jure) به رسمیت شناخته‌اند. این کشور در سطح سفیر ویا شارژدافیر با حکومت بر سر کار افغانستان روابط دارند و نمایندگا حکومت بر سر کار افغانستان را نیز در سطوح مختلف (سفیر یا کاردار) در خاک شان پذیرفته‌اند.

به رسمیت شناختن یعنی برقرار ساختن روابط سیاسی - دیپلماتیک میان دولت‌ها (ایجاد ویا بازگشایی سفارتخانه‌ها و تبادل نمایندگان سیاسی).

بیانات سران این کشورها در این جا و آنجا در باره این که با وصف داشتن روابط دیپلماتیک با حکومت بر سر کار افغانستان، این حکومت را به رسمیت نمی‌شناسند کاملاً بی‌معنی است.

نمایندگی‌های (سفارتخانه‌ها) این کشورها در افغانستان بر اساس توافق دوجانبه بازگشایی شده و دیپلمات‌های این کشورها با توافق و اجازه حکومت بر سر کار افغانستان مطابق کنوانسیون ویانا در باره روابط دیپلماتیک 1961 و کنوانسیون روابط قنصلی/کنسولی 1963 در افغانستان فعالیت می‌کنند؛ قوانین و مقررات حکومت بر سر کار افغانستان را مراعات می‌نمایند در غیر آن اخراج می‌شوند زیرا افغانستان "سرزمین لا مالک" و فاقد حاکمیت دولتی نیست که هر کشور بیاید و در یک بخش آن بستر اندازد و هر آنچه را که دلش خواست انجام دهد.

نمایندگان حکومت بر سر کار افغانستان نیز به موافقه این کشورها فرستاده شدند و مطابق کنوانسیون ویانا در باره روابط دیپلماتیک از حقوق و امتیازات دیپلماتیک در کشورهای پذیرنده (میزبان) بهره‌مندند.

خودداری از اعتراف علنی یا اعلامیه‌ی در باره به رسمیت شناختن حکومت بر سر کار افغانستان از سوی این کشور شاید ناشی از ترس متهم شدن این کشور به نقض تعزیرات شوای امنیت سازمان ملل

متحد باشد که بر اکثریت اعضای رهبری طالبان سالهای پیش وضع شده و تا حال با وصف تغییر وضعیت در افغانستان رفع نشده است و یا هم به مثابه ابزار فشار استفاده می شود.

شمار دیگر کشورها (امریکا و اعضای اتحادیه اروپا) حکومت بر سر کار افغانستان را به حیث حکومت عملی (de facto authority) می شناسند. این کشورها سفارت خانه های شان را به قطر انتقال دادند و از همانجا در موارد معین و مورد علاقه شان به صورت مستقیم و یا از طریق دولت قطر با حکومت بر سر کار افغانستان روابط برقرار می کنند.

روابط سازمان ملل متحد با حکومت بر سر کار ویژه گی های خود را دارد. ماموریت کمک رسانی سازمان ملل متحد (یونما) و سایر موسسات سازمان ملل متحد در افغانستان با توافق حکومت بر سر کار افغانستان کماکان فعال اند و به وظایف شان با رعایت قوانین و مقررات حکومت بر سر کار افغانستان ادامه می دهند. هند و تاجیکستان همچنان، شامل این دسته از کشورهاست هرچند با تفاوت های معین هیچ یک از کشورهای اخیرالذکر (امریکا، کانادا و اعضای اتحادیه اروپا) و سازمان ملل متحد نیز تا حال نمایندگان حکومت بر سر کار افغانستان را نپذیرفتند هرچند سفارت های افغانستان در جمهوری چک، هالند و اسپانیا با حکومت بر سر کار افغانستان روابط کاری کم از کم در بخش قنصلی دارند.

در برخی از این کشور های اخیر الذکر و سازمان ملل متحد نمایندگان (دیپلماتان) زمان حکومت آقای اشرف غنی، سفارت خانه ها و نمایندگی های افغانستان را در اختیار دارند و بدون ارتباط با حکومت بر سر کار افغانستان فعالیت می کنند.

حال، پرسش این است که وضعیت حقوقی این دسته از دیپلمات ها چگونه است و چه کاری را انجام می دهند و یا انجام داده می توانند؟

از نگاه قانون ملی (قانون کارمندان خدمات ملکی ۱۳۸۴ و تعدیلات بعدی در آن، "قانون کارکنان دیپلماتیک و قنصلی" ۱۳۹۱ افغانستان)، کنوانسیون بین المللی روابط دیپلماتیک 1961 و کنوانسیون بین المللی روابط قنصلی/کنسولی 1963، این افراد نه نمایندگان مردم افغانستان شمرده می شوند، نه نمایندگان حکومت آقای داکتر غنی و نه هم نمایندگان حکومت بر سر کار افغانستان.

- نمایندگان مردم افغانستان نیستند زیرا، کارمندان اداری (خدمات ملکی) دولت اند نه نمایندگان انتخابی مردم در نهاد های انتخابی دولت؛ نظام قانون اساسی پیشین کاملا فر پاشیده است.

- نمایندگان حکومت آقای غنی نیستند زیرا، دولت آقای غنی خلع قدرت شده و آقای غنی در بیانیه های خویش از پیشبرد امور دولت افغانستان رفع مسئولیت نموده است. "مسئولیت اوضاع افغانستان بر دوش طالبان است" از بیانیه اخیر آقای اشرف غنی به مناسبت زلزله هرات.

- نمایندگان حکومت بر سر کار افغانستان نیستند زیرا خود شان می گویند که از این حکومت اطاعت نمی کنند و سیاست خارجی این حکومت را در خارج از کشور پیش نمی برند.

بلی، این افراد حق دارند که از حکومت بر سر کار افغانستان اطاعت نکنند و با سیاست داخلی و خارجی آن مخالفت ورزند و بر علیه حکومت مبارزه نمایند. در این صورت باید از وظایف شان مطابق قانون ملی به مثابه کارمند وزارت امور خارجه استعفا دهند.

هم کارمند دولت وهم مخالف دولت در هیچ کشور دنیا وجود ندارد. اطاعت از اوامر حکومت و رعایت سلسله مراتب اداری یکی از اصول اساسی در اداره ملکی هر دولت است.

گفتنی است که وضعیت حقوقی کارکنان دیپلماتیک افغانستان توسط قانون ملی تعریف و مشخص می شود نه توسط حقوق بین المللی. کامندان دیپلماتیک افغانستان بر اساس قانون ملی، کامندان ملکی در چوکات وزارت امور خارجه اند، تقرر و عزل و استعفای و تقاعد آنان همانند هر کارمند دیگر دولت مطابق قانون کارکنان خدمات ملکی نظر به رتبه و بست از جانب رئیس دولت (حکومت بر حال) و وزیران وزارت خانه ای مربوطه (بر حال) صورت می گیرد.

دیپلمات های یک کشور در کشور دیگر کارمندان سازمانهای بین المللی و کارمندان دولت های خارجی نیستند. امتیازات (مصنویت ها) کارمندان سفارت خانه ها و نمایندگی ها به شمول سفیران اساس وظیفه پی در رابطه با دولت های متبوع شان دارند. با عزل کارمند دیپلماتیک از وظیفه از سوی حکومت کشور متبوع، امتیازات آنان نیز از میان می روند.

هیچ کشور خارجی و سازمان ملل متحد نیز، حق ندارد که برای یک کشور دیگر کارکنان دیپلماتیک تعیین کند و یا کسانی را به مثابه نمایندگان دولت دیگر بپذیرد که اعتبار نامه حکومت کشور متبوع خویش را نداشته باشند. در تاریخ روابط بین المللی دیده نشده است که دیپلماتان حکومت مخلوع یک کشور در سفارتخانه ها و نمایندگی های خارجی آن به وظایف شان ادامه داده باشند مگر در دو حالت:

نخست- این که ادامه کار شان از جانب حکومت جانشین در چهارچوب قانون ملی و کنوانسیون روابط دیپلماتیک ۱۹۶۱ و کنوانسیون روابط قنصلی ۱۹۶۳ تایید شود و

دوم - در حالات بسیار استثنایی و خاص (خارج از قانون ملی و کنوانسیون روابط دیپلماتیک) که حکومت مخلوع (که این دیپلمات ها را گمناشته است) حکومت در تبعید (Government in exile) بسازد و این حکومت از سوی این و یا آن کشو و یا جمع از کشورها به رسمیت شناخته شود و نمایندگان آنرا در خاک شان بپذیرند. در وضعیت کنونی در افغانستان به جز حکومت بر سر کار افغانستان، هیچ حکومت دیگر و حکومت در تبعید نیز وجود ندارد. بنا بر این،

داوم کار کارمندان دیپلماتیک حکومت پیشین (داکتر غنی) نه مطابق قانون ملی است و نه مطابق کنوانسیون روابط دیپلماتیک 1961 و کنوانسیون روابط قنصلی 1963 و نه هم در پرا تیک روابط دیپلماتیک چنین چیزی دیده شده است. از این رو، این افراد دیپلمات های خود خوانده اند.

این دیپلمات های خود خوانده اما، چه کار می کنند؟

مطابق ماده سوم کنوانسیون روابط دیپلماتیک (1961)

۱- وظایف ماموریت سیاسی (ماموریت دیپلماتیک) عبارت است از:

الف- نمایندگی دولت فرستنده نزد دولت پذیرنده.

ب - حفظ منافع دولت فرستنده و اتباع آن در کشور پذیرنده تا حدودی که در حقوق بین الملل مورد قبول است.

ج - مذاکره با حکومت کشور پذیرنده.

د - استحضار از اوضاع و سیر وقایع در کشور پذیرنده با استفاده از تمام وسائل مشروع و گزارش آن به حکومت کشور فرستنده.

ه - بسط روابط دوستانه و توسعه روابط اقتصادی و فرهنگی و علمی بین دولت فرستنده و دولت پذیرنده.

۲- هیچ یک از مقررات این قرارداد نباید طوری تفسیر شود که مانع از انجام وظائف قنصلی به وسیله یک مأموریت سیاسی گردد.

چنانچه دیده می شود، دیپلمات های حکومت مخلوع داکتر اشرف غنی هیچ یک از وظایف سیاسی مندرج این ماده را بدون ارتباط اداری با حکومت بر سر کار افغانستان انجام نمی دهد و انجام داده نمی توانند. زیرا هیچ کشور نمی خواهد با افرادی مذاکره نماید که از هیچ دولت (حکومت) نمایندگی نمی کنند. به گونه مثال:

اتباع انگلستان و یا فرانسه در افغانستان از جانب حکومت بر سر کار بازداشت وزندانی می شوند آیا حکومت های انگلستان و فرانسه غرض سپردن اعتراضنامه های شان روی این بازداشت، سفیر دولت پیشین را که هیچ ارتباط با حکومت بر سر کار افغانستان ندارد احضار می کنند؟ نخیر.

فرض کنیم که وزات های امور خارجه این کشور ها به هر رو، سفیران حکومت پیشین را احضار کنند و نامه های اعتراض شان را به این سفیران بسپارند. این سفیران اما، با این اعتراض نامه ها چه کار می کنند؛ به آقای اشرف غنی و حنیف اتمر می فرستند که آنان را گماشته بودند و حال هیچکدام ادعای بر حال بودن شان را در پست های پیشین ندارند؛ این اعتراض نامه ها را به حکومت بر سر کار افغانستان (وزارت امور خارجه) می فرستند و یا نزد خود حفظ می کنند؟

آیا همین کشور های انگلستان و فرانسه و کشورهای دیگر روی مشکلات شان با حکومت بر سر کار افغانستان در عرصه های سیاسی، اقتصادی، تجارقی و فرهنگی و امور قنصلی و کمک های بشری و یا منافع شان در افغانستان به صورت کل، با سفیران حکومت مخلوع افغانستان مذاکره می کنند؟ نخیر و به همین ترتیب در سایر موارد.

وضعیت نماینده افغانستان در سازمان ملل متحد نیز همین طور است. مقامات سازمان ملل متحد به صورت مستقیم در وجود یونما با حکومت بر سر کار افغانستان ارتباط دارند و در هیچ مورد مربوط به اوضاع افغانستان با نماینده که از جانب حکومت مخلوع گماشته شده بود و تا هنوز در آن سمت باقی مانده است، مذاکره نمی کنند. مشارکت او در برخی نشست های سازمان ملل متحد نمادین است و نظر وی، نظر شخصی پنداشته می شود نه نظر حکومت پیشین و نه هم نظر حکومت بر سر کار افغانستان.

یگانه کاری که سفارت خانه ها و نمایندگی های بی ارتباط با حکومت بر سر کار افغانستان انجام می دهند ارائه یک بخش از خدمات قنصلی است که نیار به تایید وزارت خارجه افغانستان ندارد به ویژه فروش پاسپورت های که تا هنوز در برخی سفارت خانه ها وجود دارند و صدور ویزه که در آمد آن خودسرانه و خارج از بودجه دولتی و حسابدگی به مصرف می رسد که خود یک فساد است.

گاهی شنیده می شود که ما (دیپلوماتان حکومت پیشین) از دولت افغانستان (جمهوری اسلامی افغانستان) نمایندگی می کنیم. حُب، مقر این دولت جمهوری اسلامی افغانستان در کجاست؛ رئیس این دولت کیست و از جانب کدام کشور به رسمیت شناخته می شود؟ این دیپلومات ها نزد کدام مرجع مسئول و پاسخگو استند؟ نزد داکتر اشرف غنی، نزد حنیف اتمر، نزد رئیس شورای ملی پیشین و.....

دولت یک مفهوم انتزاعی است که تنها در وجود نهاد های چون قوه مقننه، قوه اجرائیه و قوه قضائیه معنی پیدا می کند.

تعیین و اجرای سیاست داخلی و خارجی کشور از صلاحیت حکومت بر حال (رئیس دولت / رئیس حکومت و وزیران) به مثابه قوه اجرائیه دولت است.

مقرری و عزل کارکنان خدمات ملکی به شمول کارکنان دیپلماتیک نیز از صلاحیت حکومت بر حال می باشد نه از صلاحیت حکومت مخلوع که اراکین آن به شمول رئیس دولت و رئیس دستگاه دیپلوماسی (وزارت خارجه) افراد عادی مملکت شمرده می شوند.

در اینجا یک پرسش هم این است که چرا سازمان ملل متحد و برخی کشورها اجازه می دهند که دیپلمات های پیشین بدون تایید حکومت بر سر کار افغانستان و بر خلاف کنوانسیون روابط دیپلماتیک 1961 و کنوانسیون روابط قنصلی 1963 به حضور و کار شان در این کشورها ادامه دهند. پاسخ روشن است که این یک مساله سیاسی است نه بحث حقوقی در چهار چوب این اسناد و شورای امنیت سازمان ملل متحد به ویژه سه عضو دایمی این شورا (امریکا، انگلستان و فرانسه) از آن به مثابه وسیله فشار بر حکومت بر سر کار افغانستان استفاده می کنند.

یکی از عوامل بی اعتبار شدن حقوق بین المللی همین برخورد سیاسی با حقوق بین المللی از سوی اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد است. اعضای شورای امنیت بخاطر منافع شان بیشتر از هر کشور دیگر حقوق بین المللی را نقض می کنند.

به رسمیت شناختن و یا نشناختن حکومت بر سر کار از جانب سازمان ملل متحد و شمار بزرگ کشورهای خارجی یک موضوع سیاسی میان دولتی است و دلیل برای تداوم کار دیپلمات های پیشین شده نمی تواند و اساسا هیچ ربطی و اثری بر وضعیت کارکنان خدمات ملکی به شمول دیپلمات ها مطابق قانون ملی ندارد. کارکنان خدمات ملکی البته، چه در داخل و چه در خارج کشور چنانچه گفته شد، حق دارند که با سیاست حکومت بر سر کار مخالفت نمایند و از وظایف شان استعفا کنند و بر علیه حکومت مبارزه نمایند.

آنچه دولت های خارجی که حکومت بر سر کار افغانستان را بنابر دلایل سیاسی و نیز دلایل معین حقوقی چون: نافذ بودن تعزیرات بر تعداد زیادی از رهبران طالبان در حکومت بر سر کار افغانستان بر طبق قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد و عدم پابندی حکومت بر سر کار افغانستان بر اجرای برخی الزامات بین المللی افغانستان به ویژه در بخش حقوق زنان به رسمیت نمی شناسد باید دروازه

های سفارت خانه های افغانستان را تا حل مشکلات با حکومت بر سر کار افغانستان ویا تغییر وضعیت بسته کنند. عرف و پراتیک روابط دیپلماتیک چنین است.

در اینجا لازم به یاد اوری است که مدت کار کارکنان دیپلماتیک مطابق " قانون کارکنان دیپلماتیک و قونسل " افغانستان (۲۷-۱۰-۱۳۹۱) سه سال است. حکم ماده ششم " قانون کارکنان دیپلماتیک وقونسولی " به شرح زیر است:

"کارکنان دیپلماتیک و قونسل بعد از سپری نمودن مدت سه سال خدمت بالفعل در خارج از کشور از وظیفه موجود به مرکز تبدیل گردند. سپری نمودن مدت متذکره در مرکز نیز الزامی می باشد."

بر اساس این ماده قانون، زمان کار اکثریت وشاید زمان کار همه دیپلمات های پیشین (زمان حکومت آقای اشرف غنی) به سر رسیده است.